



۱۸ ربيع الاول ۱۳۳۹ - ۷ دسامبر ۲۰۱۷
اذان صبح ۵:۲۹
طلوع آفتاب ۷:۰۰
اذان ظهر ۱۱:۵۶
غروب آفتاب ۱۶:۵۱
اذان مغرب ۱۷:۱۰

بغض کودتا یا قربانی برای نیکسون

علی آهنگر*

زخم کودتا تازه است. سه ماه و بیست روزی بیشتر نیست که هنگامه ملت علیه استعمار انگلیس در گلو خفته شد. محاکمه دکتر مصدق در ۱۷ آبان ۱۳۳۲ داغ همه را تازه تر کرد. اعلام تجدید رابطه با انگلیس در ۱۴ آذر ۳۲ از سوی زاهدی نخست وزیر کودتا بر خزم تازه نمک پاشید. در این روز اعلامیه مشترک ایران و انگلیس متضمن تصمیم دو دولت برای برقراری مجدد روابط سیاسی میان دو کشور انتشار یافت. در این اعلامیه خاطر نشان شده بود «به زودی هر دو دولت سفیر کبیر خود به کشور دیگر اعزام نمایند و سپس در نزدیکترین موضعی که مورد موافقت طرفین باشد، در باب حل اختلاف مربوط به نفت شروع به مذاکره خواهد شد.»

در بهت و نابوری می رفت که روابط نفتی با انگلستان از سر گرفته شود. محاکمه دکتر مصدق و تجدید روابط با انگلستان و برقراری مجدد روابط نفتی کافی بود تا ولوله ای در کانون های اصلی مبارزه علیه استعمار انگلیس به وجود آورد. بازار و دانشگاه دو کانون پشتیبانی از نهضت ملی نفت و رهبر محبوب آن دکتر مصدق بودند. پس از کودتا، با حمله به بازار و خراب کردن سقف آن، دستگیری بازاربان عمده به ویژه حاج محمدحسن شمشیری و تبعید آنان به جزیره خارک، توانسته بودند سکوتی نسبی در بازار حکم فرما سازند، اما دانشگاه هنوز به تسلط نظامیان در نیمه بود.

جو سیاسی دانشگاه در دهه سی در اختیار تفکرات توده ای و ملی گرای بود. به گفته بابک امیر خسروی، مسئول وقت کمیته های دانشجویان دانشگاه تهران، دانشجویان «بخش عمده شان تمایلات توده ای داشتند و در سازمان دانشجویان دانشگاه تهران متشکل بودند. یک اقلیت مهمی هم بودند که به تدریج قوت گرفته بودند. این ها طرف داران نهضت ملی و جنبش دکتر مصدق بودند.»

مهندس قباد فخمی ضمن تأیید گرایش بیشتر دانشجویان به تفکرات توده ای می گوید: هر چه به سال های ۱۳۳۰ نزدیک تر می شدیم این تناسب به سمت جبهه ملی و نهضت دکتر مصدق گرایش پیدا می کرد به طوری که حدود ۷۵ درصد از تمایلات به سمت جبهه ملی و دوری از تمایلات چپ جهت یافته بود. دانشگاه تهران با هر دو گرایش توده ای و ملی گرای در کانون همراهی و حمایت از نهضت ملی مردم ایران قرار داشت. کودتا زخمی عمیق در دل دانشگاهیان نشاند. بود بنابراین، دانشگاه تهران خشم فروخورده و بغض در گلو مانده ای بود که باید منجر می شد.

پس از بازگشایی دانشگاه در مهر ۱۳۳۲ که هم زمان با شروع دادگاه فرمایشی دکتر محمد مصدق و همراهانش بود، جنب و جوشی در میان دانشجویان جهت برگزاری راهپیمایی ها و تجمعات اعتراضی پدید آمد. نخستین حرکت در ۱۴ آذر ۳۲ با هدف اعتراض به محاکمه مصدق و ویرایش به وقوع پیوست و در روز ۱۵ آذر هم ادامه یافت.

دکتر مصطفی چمران که خود در آن سال ها دانشجوی دانشگاه فنی تهران و یکی از شاهدان عینی ماجرا بود، در این باره می گوید: «اعمال خائنانه دولت کودتا بر بغض و کینه مردم می افزود و بر آتش خشم و غضب آنان دامن می زد. از روز ۱۴ آذر تظاهرات بی سابقه ای که در گوشه و کنار به وقوع می پیوست وسعت گرفت و در بازار و دانشگاه عده ای دستگیر شدند. در روز ۱۵ آذر مجدداً تظاهرات بی سابقه ای در دانشگاه و بازار صورت گرفت. در بازار نیز همزمان با تظاهرات دانشجویان مردم دست به اعصاب زده و شروع به تظاهرات کردند و عده ای به وسیله مأموران نظامی گرفتار شدند.» به گفته مهندس قباد فخمی، «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از جمله اولین اقداماتی بود که دولت آمریکا به عنوان مبارزه با گسترش کمونیسم خود را درگیر طرح های محرمانه براندازی دولت ها در دیگر کشورهای جهان می کرد. رئیس جمهور ترومن علی رغم تقاضاهای مکرر دولت وقت انگلستان، تقاضای خصوصی و پستوننو چرچیل که بسیار مورد احترام ترومن بود، با هر نوع مداخله در امور ایران به شدت مخالفت کرده بود... اما پس از روی کار آمدن آیزنهاور، تغییرات اساسی در سیاست آمریکا به وجود آمد و پس از موافقت هفت خواهران برای همکاری آینده جهت بهره برداری از منابع نفتی ایران، همه موانع در راه براندازی دولت قانونی دکتر مصدق برطرف شده بود.»

در تظاهرات روز ۱۴ آذر، همزمان با دانشگاه تهران، در چند دبیرستان پایتخت از جمله دارالفنون هم تظاهرات شد و عده ای از دانش آموزان دستگیر شدند. روز ۱۵ آذر تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و منجر به زد و خورد و دستگیری تعدادی از دانشجویان شد.

ریچارد نیکسون، معاون آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا، در سفری ده روزه به آسیا و آفریقا قصد دیدار از ایران را نیز داشت تا به قول دکتر چمران حاصل ۲۱ میلیون دلار مخارج اژاکس برای کودتا را ببیند و به رئیس خود در واشنگتن گزارش دهد. حضور او موقع مناسبی می کرد تا دانشجویان با اعتراضات و تظاهرات، خشم خود را از بازگشت دوباره انگلیس و محاکمه دکتر مصدق و کودتا علیه او نشان دهند. از همین رو بود که حکومت کودتا یگان های نظامی خود را از ۱۶ آذر در محوطه درونی و بیرونی دانشگاه مستقر ساخت تا هر گونه صلابی را پیش از درخواستن در گلو خفه کند.

مصطفی چمران در روایت روز ۱۶ آذر می گوید: «در صبح شانزدهم آذر هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق العاده سربازان و اوضاع غیر عادی اطراف دانشگاه شده وقوع حادثه ای را پیش بینی می کردند. نقشه بلند هیئت حاکمه بر همه واضح بود و دانشجویان حتی الامکان سعی می کردند که به هیچ وجه پنهان ای به دست بمانند. جوانان ندهند. از این رو دانشجویان با کمال خونسردی و احتیاط به کلاس ها رفتند.»

روایتی که با گفته های بابک امیر خسروی، مسئول وقت کمیته های دانشجویی دانشگاه، همخوانی دارد. او در این باره می گوید: «روز ۱۶ آذر آن سال (۱۳۳۲) شاید آرام ترین روز دانشگاه بود و هیچ برنامه ای برای تظاهرات پیش بینی نشده بود.»

به دستور حکومت کودتا، سربازان در محیط دانشگاه و در اطراف دانشگاه فنی برای سربازان شکلک درآورده آنان را تسخیر می کنند. بابک امیر خسروی در این باره می گوید: «علت درگیری این بود که پنهان کرده بودند که دانشجویان برای سربازان شکلک درآورده اند. سربازان وارد کلاس درس مهندس شمسی استاد نقشه برداری در دانشگاه فنی شده و خواسته بودند چند نفر را دستگیر کنند. سر این قضیه مهندس شمسی عصبانی می شود و کلاس را تعطیل می کند و پیش مهندس خلیلی رییس دانشگاه می رود که خودش از طرفداران مصدق بود. او هم عصبانی می شود؛ خود ایشان با معاونش دکتر عابدی رنگ دانشگاه را می زند. دانشجویان می ریزند در کریدور دانشگاه فنی. در همین حین سربازها وارد صحن دانشگاه می شوند. دانشجویان شعارهایی از جمله مرگ بر شاه سر می دهند. بعد تیراندازی برنامه ریزی شده آغاز می شود.»

مصطفی چمران در وصف این لحظه می گوید: «عده ای از سربازان دانشگاه فنی را به کلی محاصره کرده بودند تا کسی از میدان نگریزد. اکثر دانشجویان ناچار یا به فرار گذراند تا از درهای جنوبی و غربی دانشگاه خارج شوند ... چون دانشجویان فرصت فرار نداشتند، به کلی غافلگیر شدند و در همان لحظه اول عده زیادی هدف گلوله



انگلیس و بازگشایی سفارت در ۱۴ آذر، بر زخم باز شده نمک پاشید. در این میان، حزب توده، جنبش دانشجویی ۱۶ آذر در محکومیت محاکمه دکتر مصدق و از جناح از تجدید رابطه با انگلستان و بازگشایی سفارت و تجدید روابط نفتی با استعمار انگلیس را رنگ و بوی ضدیت با سفر ریچارد نیکسون بخشید.

تجدید نیست که دانشجویان سفر ریچارد نیکسون به تهران را موقع مناسبی برای اعلام انزجار خود از کودتا و محاکمه مصدق و تجدید رابطه با انگلستان می دانستند ولی آن روزها اطلاع چندانی از دخالت مستقیم آمریکا در کودتا در دست نبود و افکار عمومی از این دخالت آگاهی روشنی نداشت. تنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که از دخالتهای مستقیم و هزینه های دولت آیزنهاور برای سرنگونی دولت مصدق برده داشته شد.

بیست و دو سال پس از این واقعه، در آذر ۱۳۵۴، دکتر علی شریعتی در تیش قلمی مانند همیشه تأثیرگذار، می نویسد: «آذر» مان در آتش سوخت، او را پیش پای نیکسون قربانی کردند.» شریعتی در حالی از مهدی شریعت رضوی معروف به آذر، از شهیدان ۱۶ آذر با عنوان صمیمانه آذرمان یاد می کند که پنج سال پس از این واقعه با پوران شریعت رضوی، خواهر او ازدواج می کند.

به هر روی، ارتباط دادن واقعه دردناک ۱۶ آذر که بیان کننده شراره های خشم مردم و دانشگاهیان علیه استعمار پیر انگلیس، سرنگونی دولت ملی، محاکمه رهبر محبوب نهضت، بازگشایی مجدد سفارت انگلیس و برقراری روابط ظالمانه نفتی بود، صرفاً به سفر ۱۸ آذر نیکسون به تهران، مخالفان و موافقان خودش را دارد.

یادداشت



شهاب زمانی*

با نگاهی به تاریخ جنبش های اجتماعی که قسمتی از تاریخ هر ملتی محسوب می شودمی توان برهه های را رصد کرد که بسیار تأثیرگذار و همچون موتور محرکه ای، حرکت آن جنبش و حتی ملتشان را نیز تحت تأثیر خود قرار داده و با گذشت زمان نه تنها به فراموشی سپرده نشده، بلکه همچون چراغی پر فروغ، چشمان جویندگانش را بسوی خود معطوف داشته است. جنبش های دانشجویی نیز به عنوان یک جنبش اجتماعی در کشورهای مختلف به علت پیشرو بودن ذاتی خود، همواره از تأثیرگذارترین جنبش های اجتماعی محسوب بوده، که توانسته اند در نبود احزاب مستقل و نهادهای مدنی تأثیرگذار، به عنوان «جوان بیدار و زبان گویای جامعه» در مواقع حساس و مهم تاریخی و عمدتاً در برابر حکومت های اقتدارگرا، قد علم کرده و از این باب نیز هزینه های زیادی را نیز به طرق و نحای مختلف پرداخت کرده و می کنند. هرچند این حرکت های دانشجویی به علت تقابل غیر اعتدالی غالب حکومت ها، نتوانسته مسیر حرکت جامعه را دچار تغییر اساسی کند، ولی با این وجود قادر بوده چهره های را در ذهن ملت ها پدیدار و مسیر اجرای برنامه های حکومت هایی را که در مسیر منافع ملت های خود قدم برداشته اند را غالباً دچار وقفه، تعلل و حتا توقف کنند. بدون شک طبعی یک قرن گذشته، جنبش های دانشجویی در کشورهای مختلف و بالطبع در کشور ما نیز، به رسالت حقیقت جویی و عدالت خواهی خود، روزهای را از خود به یادگار گذاشته اند که تاریخ ملت ها، قادر به فراموش کردنشان نیست. قطعاً در جوامع ای که از بی ثباتی و تنش های سیاسی، حکومت های کودتا، سلب آزادی های مشروع

۱۶ آذر؛ چراغی همچنان روشن

دارم نبود، خود را در برابر دانشگاه آتش می زدم، همانجایی که... «آذر» مان، در آتش بیداد سوخت، او را در پیش پای «نیکسون» قربانی کردند. این سه یار دبستانی که هنوز مدرسه را ترک نگفته اند، هنوز از تحصیلشان فرغت نیافته اند، نخوابند... همچون دیگران - کوبن نانی بگیرند و از پشت میز دانشگاه، به پشت پاچال بازار بروند و سر در آخر خویش فروبرند. از آن سال، چندین دوره آمده و کارشان را تمام کردند و رفتند، اما این سه تن ماندند تا هر که را می آید، بیاورند، هر که را می رود، سفارش کنند. آنها هرگز نمی روند، همیشه خواهند ماند. آنها «شهید» هستند. این «سه قطره خون» که بر چهره دانشگاه ما، همچنان تازه و گرم است.»

با اینحال پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ و با «شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» نوبد بخش حکومتی مردم سالار، همراه با همه آمال و آرزوهای ملتی بود که در مسیر استقلال طلبانه و رهایی خود از هرگونه استبداد داخلی و استعمار خارجی با بهره گیری از فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی خود، تلاش کرده بودند. امروز نیز دانشجویان این سرزمین هرچند در طیف های متعدد ولی همچنان در مسیری حقیقت جویی و عدالت خواهی قرار دارند. هرچند حرکت این دانشجویان در چهار دهه گذشته با فراز و فرودهایی همراه بوده، با این حال دانشجوی ایرانی جلوتر از هر آزادی خواهی، عدالت خواهی، بوطن پرستی، دین مداری، متجددی، شیعی و آزادی خواهی خود را نه با اختیار، بلکه بالاجبار و عمدتاً به طرق غیرمسالمت آمیز و با اعتراضات گسترده از حکومت هایشان طلب کنند. اینچنین بود که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و درست چند ماه پس از کودتای ننگین انگلیسی- آمریکایی، دانشجویان دانشگاه تهران، به علت حضور مأموران در محوطه دانشگاه، اقدام به سخنرانی های روشنگرانه و اعتراضی در کلاس های درس کردند که با گسترش ناآرامی ها و هجوم نیروهای ویژه امنیتی به دانشگاه، منجر به شهادت سه دانشجوی دانشگاه مهندسی به نام های احمد قندچی، آذر (مهدی) شریعت رضوی و مصطفی بزرگنیا و مجروح شدن تعدادی دیگر از دانشجویان شد. جنایتی که با اعتراضات گسترده داخلی و جهانی نیز روبرو شد؛ با این وجود فرای آن روز ریچارد نیکسون، دکترای افتخاری خود را در رشته حقوق از همین دانشگاه دریافت کرد. و چه زبیا دکتر علی شریعتی در باره شهادی دانشجو نوشته است: «اگر اجباری که به زنده ماندن

و محرومیت های مختلف رنج می برند، دانشجویان به علت نبود سازوکار درست و قانونی، به سمت اعتراض های شدید و دامنه دار روی می آورند که مسلماً چیزی جز کشته شدن یا برخورد های خشن و سلبی نیز در انتظارشان نخواهد بود. وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت دکتر مصدق، از وقایع مهمی بود که باعث انحراف حرکت تاریخی ملت ایران و دور شدن از خواسته آنها یعنی تشکیل یک نظام مردم سالار شد. مسیری که می توانست ایران را با همه پتانسیل های خاص فرهنگی، سرزمینی، جمعیتی و غیره، به عنوان یک دموکراسی نو ظهور به کشوری قدرتمند و الگویی برای کشورهای استبدادزده و استعمارزده جهان در آن عصر، تبدیل کند. این خود دلیلی کافی بود که دولت کودتا با ایجاد اختلالی تمام عیار برای سبسیون غیر همسو، علاوه بر محاکمه نخست وزیر محبوب ملت، زمینه عادی سازی روابط با بریتانیا (به عنوان مسبب اصلی کودتای شوم ۲۸ مرداد) را فراهم کند. اعلام سفر قریب الوقوع ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهوری ایالات متحده دیگر کشور پشتیبان کودتاچیان، به نوعی دهن کجی به ملتی بود که در مسیر گذار از حکومت پادشاهی قاجار تا برقراری نظام مشروطه و از حکومت استبداد رضاخانی تا دولت ملی مصدق، هزینه های زیادی را پرداخته بود. این طبیعت کشور های جهان سوم بود که ملت هایشان، حقوق مدنی و آزادی های خدادادی خود را نه با اختیار، بلکه بالاجبار و عمدتاً به طرق غیرمسالمت آمیز و با اعتراضات گسترده از حکومت هایشان طلب کنند. اینچنین بود که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و درست چند ماه پس از کودتای ننگین انگلیسی- آمریکایی، دانشجویان دانشگاه تهران، به علت حضور مأموران در محوطه دانشگاه، اقدام به سخنرانی های روشنگرانه و اعتراضی در کلاس های درس کردند که با گسترش ناآرامی ها و هجوم نیروهای ویژه امنیتی به دانشگاه، منجر به شهادت سه دانشجوی دانشگاه مهندسی به نام های احمد قندچی، آذر (مهدی) شریعت رضوی و مصطفی بزرگنیا و مجروح شدن تعدادی دیگر از دانشجویان شد. جنایتی که با اعتراضات گسترده داخلی و جهانی نیز روبرو شد؛ با این وجود فرای آن روز ریچارد نیکسون، دکترای افتخاری خود را در رشته حقوق از همین دانشگاه دریافت کرد. و چه زبیا دکتر علی شریعتی در باره شهادی دانشجو نوشته است: «اگر اجباری که به زنده ماندن



نیرویی موثر، در مسیر حفظ و پاسداری از حقوق ملت در برابر دولت ها و منافع ملی در برابر قدرت های خارجی عمل می کنند، مسیری که نیازمند هوشیاری، دقت عمل، درک و تحلیل صحیح شرایط جامعه، کشور و فضای بین المللی است.

* کارشناس ارشد علوم سیاسی

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان در نظر دارد عملیات اجرایی ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	محل تأمین اعتبار	برآورد (ریال)	میلغ تضمین (ریال)
۹۶-۳-۲۵۳	رسیدگی به حوادث تعمیرات و نگهداری از شبکه آبرسانی منطقه ۵ (با ارزایی کیفی)	جاری	۲۶/۹۲۹/۷۸۲/۹۱۲	۱/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۶-۳-۲۵۴	نگهداری و اپراتوری تأسیسات و خدمات عمومی منطقه لنجان (با ارزایی کیفی)	جاری	۶۱۸۶۱/۸۲۶/۵۲۰	۳۴۴۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۶-۳-۲۵۵	مدیریت بهره برداری، خدمات عمومی، امور مشترکین و اپراتوری پمپاژ منطقه نطنز (با ارزایی کیفی)	جاری	۴/۷۵۶/۶۱۶/۹۰۰	۲۳۸۰۰۰/۰۰۰
۹۶-۳-۲۵۶	عملیات اجرایی رسیدگی به حوادث منطقه گلپایگان (با ارزایی کیفی)	جاری	۵/۳۲۸/۱۹۴/۴۹	۲۶۷۰/۰۰۰/۰۰۰
۹۶-۳-۲۵۷	نصب اشعاعیات فاضلاب، شستشوی شبکه، همسطح سازی، سمپاشی و نگهداری و بهره برداری تصفیه خانه فاضلاب فیدرینجان و پمپاژ جعفرآباد (با ارزایی کیفی)	جاری	۳/۸۰۳/۲۷۶/۹۱۸	۱۹۱/۰۰۰/۰۰۰
۹۶-۳-۲۵۸	عملیات بهره برداری (نصب اشعاعیات و تعویض کنتور) و خدمات عمومی گلپایگان (با ارزایی کیفی)	جاری	۳/۱۸۴/۷۶۴/۰۷۷	۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰

مهلت تحویل اسناد به دبیرخانه معاملات شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان: ۲۹۲ تا ساعت ۱۵:۳۰ روز شنبه به تاریخ ۹۶/۹/۲۵
تاریخ گشایش اسناد مناقصه: از ساعت ۸ صبح روز یکشنبه به تاریخ ۹۶/۹/۲۶
محل دریافت اسناد: سایت اینترنتی شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان www.abfaics.fahan.ir
پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات www.icts.mpor.gov.ir
شماره تلفن گویا: ۰۸-۰۲۱-۳۶۶۸۰۰۳

۹۳۳۹

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان

به یاد یاران دبستانم



می کند. گویی گروه های سیاسی- تشکیلاتی داخل نظام در طول این سال ها آموخته شده اند که چگونه با مناسبت های ملی هم زادبنداری کرده و تفسیر دلخواهی از دلایل وقوع ۱۶ آذر به جامعه بدهند. ولی لازم است که یادآوری شود، اصلی ترین دلیل جان دادن یاران دبستانی ما، دفاع از «حق اعمال ارده خالص مردم در حکومت بود و لایحه» هرچه می توانند مرگ برامریکا و مرگ های کلیشه ای دیگر را فریاد بزبندند. اصل قضیه که همانا اعتراض همیشگی جنبش های مختلف دموکراسی خواهی در ایران است. تغییر نمی کند. البته آمریکا و انگلستان برای همیشه بهدکار مردم ایران هستند و هیچ گدنی و متعادی دیگر از دانشجویان شد، جنایتی فراموش نمی کند. اما قطعاً قرار نیست در هر ۱۶ آذر آمریکا را سبیل کنیم و از بررسی و واکاوی درست و به دور از هیجان جنبش دانشجویی مردم ایران غافل شویم. بر واضح است که در پس از آن ۱۶ آذر بارها و بارها مطالبات دانشجویی با سرکوب و ناپهروی مواجه شده است. پس ضمن اینکه ظاهراً آنگونه که باید از هیچ دولتی نمی شود انتظار داشت، دغدغه های تاریخی و مدنی دانشجویان را ببینند. لکن در پایان این یادداشت اگر بگوییم، جنبش دانشجویی هنوز آرامش واقعی به دست نیابده و ظاهراً باید منتظر هزینه های بعدی باشیم.

* کارشناس علوم سیاسی، فعال مطبوعاتی



اسفندیار عبدلایی*

حجم زیادی مطلب در خصوص ۱۶ آذر، موضوع نوشته و گفته می شود. نویسندگان و روزنامه جنبه های مختلف این روز را واکاوی می کنند. شریف رضوی بزرگ نیا و قندچی درراهی کشته شدند که به نظرمی رسد هنوز هم بر هزینه ای است. لکن احساس می شود سالگرد ۱۶ آذر را باید از زاویه ای متفاوت نگاه کرد. همکلاسی های شهیدما، آمریکا ستیز و کلا ستیزه گرنویسند. بلکه معترض مجموعه ای از دست هایی بودند که سبب شدند دولت قانونی ایران که دولتی دموکراسی خواه و مردم سالار بود. دولت قانونی کشور که نسبتاً خروجی اراده ملت بود، اراده ملت، چکیده تمام دغدغه مدنی همه ما است. حال پس از سال ها ما ملحق عادت در هر ۱۶ آذر راگرایی می داریم، که البته باید گرمای بدباریم ولی آیا اکنون در دوره مناسبی هستیم؟ تقریباً همه جناح های داخل نظام این ایام سالگرد ۱۶ آذر را گرمای می دارند. درحالی که به واقع آن فلسفه ای که عزیزان دانشجوی ما برای آن جان دادند محقق نشده. هنوز دانشجویان ما دغدغه آزادی دارند. هنوز اراده مردم به طور کامل حاکم نیست. جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران هم پای خیلی از کشورهای اروپای غربی است. حقوق اساسی و مدنی در کشور ما بعد مشروطه رسمیت یافت. حقوق مدنی زنان، اقلیت ها دینی و قومی، حق آزادی بیان و عقیده موضوعاتی هستند که به اندازه تاریخ مشروطه خواهی مردم ایران سابقه دارد. با این وجود در طول این تاریخ دموکراسی خواهی همیشه در حال هزینه دادن بوده ایم.

قبر تاریخ معاصر ایران را اگر بشکافیم هزینه های اجتماعی دیده میشود که از همه اصناف در آن سهم دارند. در این ایام مضمون شعر «هر که از ظن خود شاد یارمن»، به وضوح خودنمایی